

## خط آلفونیک

گیتی دیهیم

منظور از این مقاله معرفی تجربه‌ای است در مورد خط که در حال حاضر در کشور فرانسه تحت سرپرستی آندره مارتینه، زبانشناس فرانسوی انجام می‌پذیرد. نگارنده از آنرو تصمیم به معرفی این تجربه گرفت که گمان می‌کند آنچه زمینه‌را برای انجام این آزمایش آماده کرده و مارتینه را برانگیخته است که وارد میدان عمل شود در محدوده زبان فارسی نیز موجود است و احتمالاً نتایج این تجربه می‌تواند روزی در جایی به کار آید. اما پیش از ورود به مطلب، بی‌مناسبت نیست که برای درک بهتر از آنچه در دنبال می‌آید به یکی دو اصل مسلم در زبانشناسی اشاره شود.

در عصر ما بخش بزرگی از زبانهای موجود در جهان دارای دو صورت‌اند: صورت گفتاری و صورت نوشتاری. آنچه ما فارسی‌زبانان به کمک آن با یکدیگر محاوره می‌کنیم صورت گفتاری زبان فارسی است و نوشته‌های کتاب‌ها و روزنامه‌ها و غیره صورت نوشتاری آن است. زبان اقوامی مانند ایرانیان و فرانسویان و غیره که صاحب فرهنگی قدیمی‌اند، از دیرباز دارای این دو صورت بوده است. اما در عصر حاضر به زبانهای بسیاری برمیخوریم که تنها دارای صورت گفتاری‌اند و به نوشته درنیامده‌اند. زبانهای بومیان امریکا، برخی زبانهای افریقای و غیره از این جمله‌اند.

تردیدی نیست همانگونه که زبانشناسان معتقدند صورت گفتاری زبان بر صورت

نوشتاری آن مقدم است: نه تنها انسان ابتدا سخن می گوید و بعد خط را میاموزد، بلکه همچنانکه گفتیم- هنوز هم بخش بزرگی از مردمان زمان ما نوشتن را نمیدانند ولی به خوبی به زبان خود سخن می گویند. این نیز مسلم است که قبل از پیدایش خط که عمری دراز ندارد (قدیمترین خطها ظاهراً از ۶۰۰۰ سال پیش دورتر نمیرود) در مدت صدها هزار سال، انسان سخن میگفته است. در واقع گفتار، صورت زنده و کامل زبان است و همان است که تحول مییابد و در طول زمان دگرگون میشود: خط کلاً يك بازگردان ناقص از زبان، و در نزد بسیاری از اقوام دارای تمدن کهن، نمایانگر زبان دوره‌های پیش است. افزون بر این، خط معمولاً بسیار محافظه کارتر از گفتار است و دیرتر از آن متحول میشود.

این وضع موجب شده است که امروزه بین گفتار و نوشتار بسیاری از زبانها تفاوتی چشمگیر وجود داشته باشد. زبان فرانسه نیز که در اینجا مورد نظر ماست از این قاعده مستثنی نیست. این زبان عمدتاً در قرنهای دوازدهم و سیزدهم میلادی به خط درآمد، اما صورت گفتاری آن در قرون بعد بسیار تحول یافت درحالی که در خط آن تغییر بزرگی راه نیافت.

نتیجتاً امروزه در زبان فرانسه بین آنچه گفته و آنچه نوشته میشود اختلاف فراوان وجود دارد: واژه *beaucoup* به معنی «بسیار» که روزی کاملاً مانند صورت نوشته خود تلفظ میشد امروز [boku] خوانده میشود، املاء کلمه *disaient* «می گفتند» از تلفظ کنونی آن [dize] بسیار دور است، واژه‌های *poids* «وزن» و *temps* «زمان» در حال حاضر [pwa] و [tā] خوانده میشوند که با املاء خود مطابقت چندانی ندارند و غیره و غیره.<sup>۱</sup>

مسلم است که چنین وضعی برای کودکی که تازه کار نوشتن را آغاز میکند بسیار گمراه کننده و گاه یأس آور است. کودک متحیر میماند که چرا باید در واژه *été* «تابستان» آوای [e] را به کمک *é* نشان دهد و در *disaient* با *aient*؟ چرا باید برای نوشتن همین آوا بیش از بیست صورت مختلف را فرا بگیرد؟ و بدتر از همه چرا هنگامیکه در کاربرد دستگاهی چنین پیچیده مرتکب کوچکترین اشتباه میشود مورد سرزنش قرار میگیرد؟ این است که ذهناً

۱. خط فارسی نیز همانطور که صاحب نظران بارها به آن اشاره کرده اند به درستی واقعیت آوایی زبان را منعکس نمیکند: مثلاً برای آوای [a]، [e] و [o] نشانه‌ای در آن وجود ندارد و کلمات «مرد، گل، کن» را بدون کمک بافت ممکن است «مرد، گل، کن» خواند. آنچه «مثل» نوشته میشود سه تلفظ و سه معنی متفاوت دارد: *مِثْل*، *مَثَل*، *مُتَل*. حرف «و» برای نمایاندن آوای [o]، [u]، [v] و [ow] به کار میرود: تو، تور، توان، توچال، و موارد بسیار دیگری از این دست. توصیه‌ای که در قطعه‌نامه سومین سمینار زبان فارسی درباره «ساده‌تر کردن و یک دست کردن امر خواندن و نوشتن فارسی» آمده است بسیار قابل توجه است، چه در حقیقت اشکالات و سختی‌های املاهای فارسی یکی از عوامل تلقی شده است که میتواند به اشاعه این زبان لطمه وارد آورد.

خسته و سرخورده میشود و تا آنجا که بتواند از نوشتن میگریزد. به همین دلیل از مدتها پیش برخی مریبان کودک کوشش کرده‌اند اولین برخورد او را با نوشتن و خواندن آسانتر سازند. راه‌حلهای گوناگونی پیشنهاد شده است، ولی نتایج آنها غالباً رضایت‌بخش و خالی از نقص نبوده است.

آنده مارتینه سالهاست که املائی معمولی زبان فرانسه را مورد انتقاد قرار داده<sup>۲</sup> و آن را به زبان استفاده‌کنندگان از آن و مانعی برای ایجاد ارتباط نوشتاری رضایت‌بخش میان فرانسوی‌زبانان دانسته است. وی معتقد است که این املائی دور از منطق، یادگیری نوشتن و خواندن را برای کودکان بسیار سخت و نامطبوع میکند و آن را به تأخیر می‌اندازد. این است که برای پیش‌آموزی نوشتن و خواندن به کودکان خطی به نام «آلفونیک» ساخته است که اکنون در فرانسه به‌عنوان تجربه از آن استفاده میشود.

ساختن آلفونیک داستانی دارد که در زیر به اختصار به آن اشاره میشود. در مجمعی، تعدادی از آموزگاران فرانسوی از مارتینه خواستند که توضیح دهد به چه نحو میتوان از دستاوردهای زبانشناسی در حوزه کار آنها بهره گرفت، و به‌خصوص بگوید که زبانشناسی تا چه اندازه میتواند برخی از دشواریهایی را که در تدریس با آن روبرو هستند حل کند. مهمترین مسئله مطرح شده این بود که چرا کودکان که به‌خوبی صحبت میکنند و به‌طور طبیعی چنته پری برای گفتن دارند به محض اینکه به مرحله نوشتن میرسند دچار بی‌علاقگی میشوند و نوعی کم‌کاری از خود نشان میدهند. در جواب گفته شد که احتمالاً املائی کنونی فرانسه که بسیار پیچیده و غیرمنطقی و گمراه‌کننده است علت اصلی این بی‌علاقگی است. ترس از غلط نوشتن باعث میشود که کودک تا حد امکان از زیر بار نوشتن شانه خالی کند. سپس آموزگاران این سؤال را مطرح کردند که آیا میتوان فرانسه را بدون استفاده از املائی معمولی آن نوشت یا نه؟ جواب مارتینه مثبت بود. به تقاضای این آموزگاران او بلافاصله دست به کار ساختن خطی برای استفاده کودکان شد که در آن از مشکلات خط فعلی فرانسه اثری نباشد و تنها گفتار الگوی آن قرار گیرد. این خط بعداً آلفونیک نام گرفت.

مارتینه درباره این خط چنین می‌نویسد:<sup>۳</sup>

«در خط آلفونیک، هر یک از آواهای زبان به کمک یک حرف و همیشه همان حرف نگاشته میشود. این خط برای رفع احتیاجات فرانسوی‌زبانان که جامعه زبانی مشخصی را تشکیل میدهند و عادات تلفظی خاص خود را دارند ساخته شده است و به هیچ وجه مانند الفبای

2. *Le Français sans fard*, Paris, P. U. F., 1969, p. 62-90.

3. *Vers l'écrit avec alfonic*, Paris, Hachette, 1983, p. 8-9.

بین‌المللی آوانگاری به منظور استفاده همه‌جهانیان نیست.

آلفونیک، آوانگاری نیست، بلکه واج‌نگاری است. آوانگاری معمولاً براساس متنی انجام می‌گیرد که هر یک از عناصر آن با علامتی خاص نشان داده می‌شود، اما در آلفونیک چنین نیست: نشانه /ə/ را معادل in یا ain نمیتوان گفت، بلکه این نشانه، معادل یک حرکت تلفظی خاص زبان فرانسه است.

آلفونیک در حیطه آواشناسی که اصوات را از نظر خصوصیات فیزیکی آنها مطالعه میکند قرار ندارد، بلکه در قلمرو واجشناسی واقع است که به بررسی عادات تلفظی خاص یک زبان میردازد. در اینجا منظور عاداتی است که تفهیم و تفهم را بین فرانسوی‌زبانان امکان‌پذیر می‌سازد.

آلفونیک املاء هم نیست، زیرا در املاء برای نوشتن یک واژه، تنها یک صورت را میتوان به‌کار برد که سنت آنرا باب کرده است و صاحب‌بنظران بر آن صحه گذارده‌اند. اگر شخصی صورت دیگری را به‌کار برد مرتکب اشتباهی میشود که نتیجه‌اش گرفتن نمره بد و عدم موفقیت در امتحان است. اما شخصی که آلفونیک را به‌کار می‌برد خود، تنها صاحب نظر است و معیار و ملاک، تلفظ شخصی اوست: آنکه p را در dompter «مغلوب کردن» تلفظ میکند این واژه را به‌صورت /döpte/ خواهد نوشت<sup>۴</sup>؛ کلمه gageure «وثیقه» برحسب تلفظهای اشخاص به صورتهای /gajur/ یا /gajxr/ نوشته خواهد شد.

در انتخاب نشانه‌های آلفونیک، مارتینه سعی کرده است که حتی الامکان از نشانه‌های الفبای امروزی فرانسه استفاده کند تا از طرفی کمکی برای یادگیری بعدی خط معمولی باشد، و از طرف دیگر نشانه‌های انتخابی در ماشین‌تحریرها و چاپخانه‌ها موجود باشد تا مسئله‌ای از نظر تهیه متن به این خط پیش نیاید. مثلاً برای نشان دادن آوای [s] که در خط فرانسه به‌وسیله ch نوشته میشود از /h/ استفاده کرده است، زیرا کودک بعداً آنرا در واژه‌های بسیاری به‌کار خواهد برد؛ یا برای نمایاندن [œ] موجود در کلمه peur «ترس» نشانه /x/ را به‌کار برده است، چه هم اکنون فرانسویان بسیاری هنگام ماشین کردن متنی بجای œ که در علامات ماشین تحریر وجود ندارد از آن استفاده میکنند. آنطور که خود میگوید خواسته است خطی ارائه کند که با زبان فرانسه و مردمی که آن را به‌کار می‌برند مناسب باشد. به‌علاوه تأکید میکند که منظور او از ساخت آلفونیک به هیچ وجه دعوت فرانسوی‌زبانان به تغییر خط که میتواند مسائل و مشکلات عدیده‌ای را به‌وجود آورد نیست.

۴. dompter معمولاً به صورت [döte] تلفظ میشود، ولی اشخاصی هم هستند که p را در این کلمه تلفظ میکنند.

۵. باید توجه کرد که علیرغم کلمات بسیاری که دارای حرف h هستند فرانسه معیار، فاقد آوای [h] است.

## الفبای آلفونیک

آلفونیک		املاء معمولی	معنی	آلفونیک		املاء معمولی	معنی
a	abri	abri	پناهگاه	f	fil	fil	نخ
	pat	pâte	خمیر	v	va	va	برو
e	ete	été	تابستان	t	trez	treize	سیزده
	perdu	perdu	گم شده	d	dur	dur	سخت
-è	ête	était	بود	n	nu	nu	برهنه
i	isi	ici	اینجا	s	sal	sale	کثیف
o	oral	oral	شفاهی		asi	assis	نشسته
	mo	mot	کلمه	z	raze	raser	تراشیدن
ô	ôb	àube	سپیده دم	h	ha	chat	گره
	sôvaj	sauvage	وحشی	j	java	java	نوعی رقص
x	pxr	peur	ترس	c	calcul	calcul	حساب
	nxtr	neutre	خنثی		cx	queue	دم
	brxbi	brebis	میش	g	gato	gâteau	شیرینی
u	unir	unir	به هم پیوستن		gid	guide	راهنما
w	wvrr	ouvrir	باز کردن	r	rar	rare	کمیاب
e	së	sain	تندرست	l	lac	lac	دریاچه
	hacë	chacun	هریک	y	yoga	yoga	یوگا
a	sã	sang	خون		fiy	fille	دختر
o	bö	bon	خوب		fiyxl	filleul	پسر خوانده
p	papa	papa	بابا	-n	peny	peigne	شانه
b	baba	baba	نوعی شیرینی	ni-	anio	agneau	بره
m	miel	miel	عسل		panie	panier	سبد

پس از ساخته شدن آلفونیک، تعدادی آموزگار شروع به استفاده از آن کردند. همه میخواستند ببینند که آیا فرضیه آغاز کار به اثبات خواهد رسید یا نه؛ بدین معنی که اولاً آیا کودکان با در دست داشتن خطی واجی که آنها را از قیود بازدارنده املاء معمولی خلاص

میکرد با آزادی و راحتی بیشتری به نوشتن خواهند پرداخت، و به عبارت دیگر کمیت کارشان افزایش خواهد یافت، و ثانیاً آیا این خط میتواند به خوبی جانشین خط معمولی شود؟ در عمل، جواب به این هر دو سؤال مثبت بود و کودکان به طرز حیرت آوری سریعاً این خط را یاد گرفته و با اشتیاق فراوان به نوشتن هر آنچه میل داشتند پرداختند. آموزگاران بسیار راضی از این نتیجه، متأسف بودند که چرا استفاده از آلفونیک در حد تجربه باقی مانده و نمیتوانند در کلاس از آن بهره گیرند.

پس از اقدامات گوناگون و مطالعات مفصل درباره این خط، بالاخره پس از چند سال آلفونیک وارد محیط تحصیلی گردید، بدین ترتیب که مقامات مربوط موافقت کردند که در دو کودکستان، یکی در نزدیکی پاریس و دیگری در جنوب فرانسه، آلفونیک به صورت آزمایشی در دو کلاس تعلیم داده شود. انتخاب دو زمینه آزمایش در دو نقطه فرانسه که مردمان آنها دارای دستگاههای واجی مختلف اند بدین منظور بود که اولاً شاگردان دو کلاس بتوانند با یکدیگر به نامه نگاری بپردازند که میتوانست انگیزه ای قوه ای برای نوشتن باشد، و بخصوص اینکه ملاحظه شود آیا اختلاف دستگاههای واجی دو منطقه که طبیعتاً در نوشتن آشکار میگردید مانع ایجاد ارتباط نوشتاری میشد یا نه، که البته در عمل هیچ گونه اشکالی پیش نیامد.

به دلایل مختلف، از جمله تغییر و تبدیلات اداری و همچنین جبهه گیری بعضی افراد در برابر هر آنچه نوست این دو کلاس پس از چند سال تعطیل شد. اما در همان زمان، کودکستان دیگری در خود را به روی این آزمایش گشود که هنوز هم ادامه دارد.

نتایج حاصل از این تجربه در این سه کودکستان بسیار مثبت بوده است: آلفونیک به بهترین وجه اشکالات ابتدای یادگیری نوشتن و خواندن را از بین میبرد و این کار را از حالت خشک و سخت معمولی در آورده و به آن رنگ بازی میدهد. کودک، آزاد از قیود خط معمولی و از دخالتهای دائمی مربی و بدون ترس از غلط نوشتن، هر چه تلفظ میکند مینویسد و این کار را نوعی سرگرمی تلقی میکند. او با در دست داشتن ابزارهای چنین ساده و دقیق، حداکثر استفاده را از لغات و قواعد نحوی ای که بلد است میکند و از آن درس دقت و صراحت میگیرد. چون به دلیل سادگی آلفونیک، زود در کار نوشتن توفیق می یابد تشویق می شود که بیش از پیش بنویسد. به گفته مر بیان، نوشته های نوآموزانی که آلفونیک را به کار میبرند از نظر کمیت و کیفیت بر نوشته های آن دسته که با خط معمولی، نوشتن را آغاز میکنند بسیار برتری دارد. همینکه کودک نوشتن را آموخت به آسانی از عهده خواندن متن هایی به این خط هم برمیآید.

در سال بعد، یعنی در کلاس آمادگی، در عین اینکه نوشتن و خواندن با آلفونیک ادامه

می‌یابد به کودک یاد میدهند که یک آوا را به چند صورت میتوان نوشت، یا به زبان بچگانه برای یک آوا چندین «لباس» وجود دارد؛ در ضمن قواعدی (دستوری) هم هست که بر طریقه نوشتن اثر میگذارد. تجربه به اثبات رسانده است که کودکان، مشکلات و قیود عمده خط معمولی را در عرض دوره آمادگی به خوبی فرا میگیرند و در سال بعد با چننه‌ای پرتراز مسائل مربوط به زبان نسبت به آنها که چنین آموزشی را ندیده‌اند با تدریس متداول زبان در دبستان برخورد میکنند. مارتینه میگوید آلفونیک، اولین تجربه از این نوع نیست. نگاهی به روش آموزش نوشتن به کودکان ژاپنی، شخص را متقاعد خواهد کرد که هنگامیکه باید خطی را آموخت که دقیقاً صورت آوایی زبان را تقلید نمیکند وجود نوعی «پیش‌آموزی» تا چه حد میتواند مؤثر باشد.

ژاپنی‌ها مانند اکثر اقوام خاور دور، خط چینی را که خطی اندیشه‌نگار است به عاریت گرفته‌اند. در چنین خطوطی، کلمات نمایانگر مفاهیم اند و نه مجموعه آواها. در ژاپنی، مثلاً مفهوم «کوه» را به وسیله خطی افقی که سه خط عمودی- که میانی آن از دو دیگر بلندتر است- از آن به پا میخیزد نشان میدهند. این نشانه، «یاما»، «سان» و یا «زان» خوانده میشود. اما با دیدن آن، خواننده نمیداند کدام یک از این سه را باید تلفظ کند، یعنی خط، اطلاعی درباره تلفظ کلمه به دست نمیدهد. ژاپنی‌ها شاید به این دلیل و مسلماً به علت اینکه با خط چینی نمی‌توانسته‌اند بعضی عناصر دستوری خاص زبان خود را نشان دهند دست به ابتکاری زده‌اند، بدین ترتیب که خطی هجایی، یعنی تعدادی نشانه که هر کدام معرف یک هجای زبان است ساخته‌اند. هنگامیکه کودک مدرسه رفتن را آغاز میکند این خط هجایی به او آموخته میشود. معمولاً او بسیار زود آن را فرا میگیرد، چه آنچه را تلفظ میکند به کمک این خط مینویسد و آنچه را به این خط نوشته شده میخواند. پس از آنکه بر این خط مسلط شد آنگاه خط چینی به او تعلیم داده میشود که در تمام دوره تحصیل با آن سروکار دارد. البته نشانه‌های هجایی هم اینجا و آنجا در متون میآید.<sup>۶</sup>

مورد استفاده اصلی از خط آلفونیک همین پیش‌آموزی نوشتن و خواندن است، ولی مسلماً این تنها کاربرد ممکن آن نیست. همچنانکه دست‌اندرکاران این خط میگویند آلفونیک، ابزار بسیار مناسبی برای تمام پژوهشهایی است که در سطوح مختلف زبان به مقابله گفتار و نوشتار میپردازد. بنابراین نه تنها در مورد تلفظ به کار میآید، بلکه در مطالعه صرف و نحو و واژگان نیز قابل استفاده است. در شعر و ادبیات نیز میتوان از آن بهره برد. برای سوادآموزی به بزرگسالان و در درمان نارساییهای مربوط به خواندن و بازشناختن نوشتار<sup>۷</sup> و

6. A. Martinet, 'Alfonic et l'écriture japonaise', *Liaison alfonic*, 1984, I, p. 7-70.

7. dyslexie

یا در رفع ناتوانایی در نوشتن و فرا گرفتن قواعد املایی<sup>۸</sup> نیز جای خود را دارد. ناگفته نگذاریم که امروزه خطی بنام «الفبای پیش آموزی»<sup>۹</sup> در کشورهای انگلیسی زبان رایج است که برخی آن را شبیه آلفونیک میدانند. ولی مارتینه میگوید که در هنگام ساختن آلفونیک از وجود آن بی اطلاع بوده و به علاوه وجه اشتراك دو خط از نظر اصولی که در ساختن آنها به کار رفته اندک است.

#### کتابنامه

1. A. et J. Martinet... *Vers l'écrit avec alfonic*, Paris, Hachette, 1983.
2. A. et J. Martinet, *Dictionnaire de l'orthographe (alfonic)*, Paris, SELAF, 1980.
3. *Liaison alfonic* (Bulletin de l'Association pour la promotion de l'écriture et de la lecture en France), Paris, 1984 et 1985.





# نقد و معرفی کتاب